

چی بگوشیم؟

(نشریه ویسپوبیش - سال سوم - شماره شش)

تارا نیلی



موسیقی پاپ: Pop Music
(مایکل جکسون/بخش سوم)

«جهان را التیام ببخش» Heal the World آهنگی بود که مایکل بیش از همه‌ی آثارش آن را دوست داشت.

داستان ساخت این آهنگ از جایی آغاز شد که در نورلند، درخت بزرگی وجود داشت که مایکل آن را **Giving Tree** (درخت بخشنده) می‌نامید. مایکل وقتی از شلوغی دنیا خسته می‌شد، از این درخت بالا می‌رفت، ساعت‌ها روی شاخه‌هایش

قطعه‌ی «سیاه یا سفید» **Black or White** مایکل نیز در پاسخ به نژادپرستی ساخته شد و پیام اصلی آن، این بود که همه انسان‌ها فارغ از رنگ و نژاد و زبان و قومیت‌شان، با هم برابرند.

همچنین نام مایکل جکسون در سال ۲۰۰۰، به دلیل فعالیت‌های گسترده‌ی خیریه‌اش، در کتاب گینس به عنوان «پاپ‌استاری با بیشترین حمایت از سازمان‌های خیریه» ثبت شد.

در سال ۱۹۹۳، نخستین ازدواج مایکل رخ داد، ازدواج با لیزا ماری پریسلی، دختر الویس پریسلی، اسطوره راک.



در همین سال، او با اتهاماتی روبه‌رو شد که سال‌ها تلاش، هنر و شخصیت او را زیر سایه اخبار و شایعات سنگین قرار می‌داد. پاسخ مایکل، ساخت آلبوم دو بخشی/۳۰ آهنگی «تاریخ» **History** بود که فروشی بی‌نظیر و تاریخ‌ساز داشت و نامزد جایزه گرمی برای بهترین آلبوم سال نیز شد.

می‌نشست و به طبیعت نگاه می‌کرد. در یکی از همین روزها بود که با خودش گفت: اگر قرار باشد فقط یک پیام برای دنیا بگذارم، چه می‌گویم؟

پاسخ این شد که: «دنیا را شفا بده / التیام ببخش!»

بنابراین مایکل این قطعه را با پیام صلح، عشق و برای ساختن دنیایی بهتر نوشت. بنیاد Heal the World را ایجاد کرد که یک سازمان خیریه برای بهبود زندگی کودکان جنگ‌زده،



گرسنه و بیمار بود. این سازمان همچنین قرار بود به کودکان بیاموزد که چگونه به دیگران کمک کنند، پس میلیون‌ها دلار صرف کارهای انسان‌دوستانه کرد و حتی دارو و مواد غذایی به مناطق جنگ‌زده فرستاد. به همین دلیل، رئیس‌جمهور آمریکا جرج اچ. دبلیو. بوش از مایکل در کاخ سفید تقدیر کرد و او را **سفیر نور** نامید.



«پرینس مایکل جکسون دوم» که در سال ۲۰۰۲ به دنیا آمد هرگز به‌طور عمومی اعلام نشد.

مایکل رابطه بسیار نزدیکی با فرزندانش داشت و می‌کوشید برخلاف کودکی خودش، در نورلند محیطی لبریز از بازی، طبیعت و حیوانات برای شادی آنها فراهم کند.



دهمین آلبوم مایکل با نام «**خون روی صحنه‌ی رقص**»، **Blood on the Dance Floor** در سال ۱۹۹۷ منتشر شد. آهنگ **Ghosts** یکی از مهم‌ترین آهنگ‌های این آلبوم بود که همراه با یک فیلم کوتاه معروف به همین نام، به کارگردانی و بازیگری خود مایکل ساخته شد. داستان این فیلم، درباره فرد عجیبی است که مردم شهر، او را قضاوت می‌کنند و از او می‌ترسند، تنها به خاطر اینکه با آنها متفاوت است.

از مشهورترین آهنگ‌های این آلبوم، «**آن‌ها به ما اهمیتی نمی‌دهند**» **They Don't Care About Us** بود که از قدرتمندترین و اعتراضی‌ترین آهنگ‌های مایکل به شمار می‌رود. او احساس می‌کرد بسیاری از انسان‌ها، مخصوصاً فقیران و قربانیان تبعیض اجتماعی، صدای‌شان شنیده نمی‌شود، پس به بی‌عدالتی، تبعیض، فقر و بی‌توجهی جامعه به مشکلات انسان‌ها اعتراض کرد.

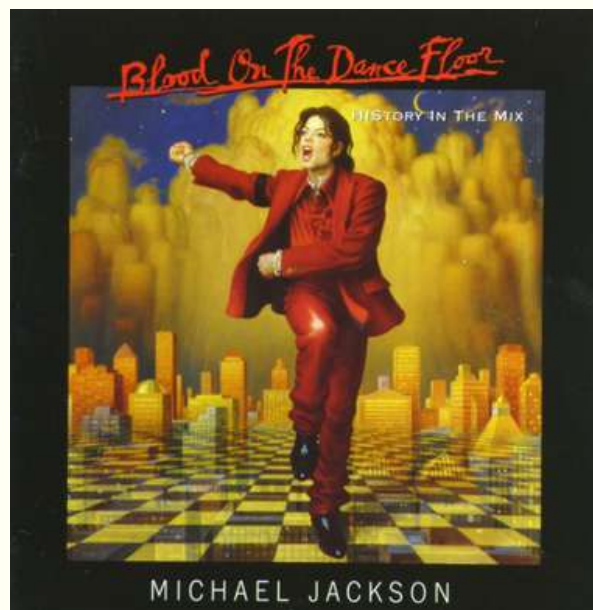


مایکل در این آهنگ و هر دو موزیک ویدئوی آن (نسخه زندان و نسخه‌ی برزیل)، خشمگین است و اعتراض خود را صریح و روشن بیان می‌کند. مایکل جکسون سه فرزند داشت؛ «مایکل جوزف جکسون جونیور» (پرینس) که در سال ۱۹۹۷ و «پاریس» که در سال ۱۹۹۸ به دنیا آمدند و مادرشان دبی رو همسر دوم مایکل بود. اما هویت مادر سومین فرزندش

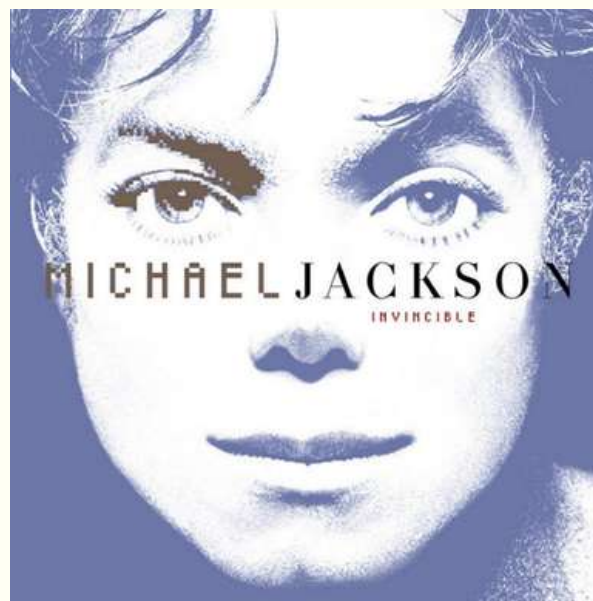
آلبوم «شکستناپذیر» **Invincible** پس از چند سال دوری از صحنه موسیقی ساخته شد و نشان‌دهنده تلاش مایکل برای آغازی تازه در قرن بیست‌ویکم بود. مایکل می‌خواست نشان دهد که با وجود تمامی فشارها، شایعات و مشکلاتی که پشت سر گذاشته، هنوز نیرو و عشق‌اش به موسیقی را از دست نداده است.

همچنین مایکل در سال ۲۰۰۹ اعلام کرد که پس از ۱۲ سال دوری از صحنه - از سال ۱۹۹۷ با آلبوم تاریخ - با مجموعه کنسرت‌های **This Is It** در لندن بازخواهد گشت. او اعلام کرد که این‌ها آخرین اجراهای نمایشی او خواهند بود! بنابراین استقبال مردم فوق‌العاده شد و تعداد اجراها از ۱۰ به ۵۰ کنسرت افزایش یافت و بیش از یک میلیون بلیط، در کمتر از دو ساعت به فروش رفت. اما تنها چند هفته مانده به آغاز این تور بزرگ، مایکل در ۲۵ ژوئن ۲۰۰۹ بر اثر ایست قلبی درگذشت، این اجراها هرگز برگزار نشدند و این بازگشت ناتمام، به یکی از غم‌انگیزترین پایان‌های تاریخ موسیقی بدل شدند.

درگذشت مایکل جکسون در سن ۵۰ سالگی بر اثر ایست قلبی ناشی از مصرف داروهای آرام‌بخش، جهان را غافلگیر کرد و میلیون‌ها طرفدار او در سراسر دنیا به یادش سوگوار شدند. درباره مرگ او شایعات بسیاری گفته شد اما آنچه قطعی بود اینکه پزشک شخصی او، **کانراد موری**، به دلیل مراقبت نادرست، به قتل غیرعمد محکوم شد.



مایکل در سال ۲۰۰۱ آلبوم **Invincible** را منتشر کرد که آخرین آلبوم استودیویی او در دوران زندگی‌اش بود. ساخت این آلبوم، سه سال طول کشید و یکی از پرهزینه‌ترین آلبوم‌های تاریخ موسیقی شد که پس از انتشار، در صدر جدول فروش بسیاری از کشورها قرار گرفت و حدود ۱۳ میلیون نسخه فروخت.





پس از مرگ مایکل، همچنان دو آلبوم رسمی به نام‌اش منتشر شد که شامل آهنگ‌هایی بودند که در زمان زندگی او ضبط شده اما پخش نشده بودند: آلبوم (2010) **Michael** و آلبوم (2014) **Xscape** که شامل آهنگ **Chicago** بود. هدف از انتشار این آلبوم‌ها آن بود که طرفداران بتوانند با بخش‌های جدیدی از موسیقی مایکل آشنا شوند و در ضمن نشان داده شود که او حتی در سال‌های آخر زندگی خود نیز همچنان در حال ساخت موسیقی‌های تازه بوده است.



در روز ۷ جولای ۲۰۰۹ - ۱۲ روز پس از مرگ مایکل - در مراسم یادبود او نزدیک به ۲ میلیون نفر از سراسر دنیا حاضر شدند که تنها ۲۰ هزار نفرشان توانستند به داخل مراسم راه یابند. همچنین بیش از ۱ میلیارد نفر این برنامه را به صورت زنده از سراسر جهان مشاهده کردند زیرا مرگ او برای دوستدارانش، پایان زندگی هنرمندی بود که با صدا، رقص، خلاقیت و پیام‌های انسانی‌اش، مرزهای نه تنها موسیقی، بلکه انسان‌دوستی را تغییر داده بود.

